

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۰

جمعه ۲۳ تیر ۱۳۹۶، ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۷

نمی‌توانید مردم جهان را فریب بدهید پیرامون بازدید مهندسی شده سفرای کشورهای خارجی از زندان اوین

حزب کمونیست کارگری

صفحه ۶



حقایق را از شما پنهان کردند!

نامه به سفرای بازدید کننده از زندان اوین

آتنا دائمی، گلرخ ایرایی

صفحه ۹

نمایش مضحک نصب لوح "منشور

کوروش" در لس آنجلس

سعید مدانلو

صفحه ۸



پیرامون تحرک و پیشروی جنبش کارگری گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۲

موصل آزاد شد!

آیا مردم عراق آزاد شده اند؟!



محسن ابراهیمی

روز یکشنبه ۹ جولای حیدر عبادی نخست وزیر عراق در کنار ویرانه های موصل آزادی این شهر از چنگ داعش را به مردم عراق تبریک گفت. سؤال این است که آیا مردم عراق از چنگ تروریسم اسلامی آزاد شده اند؟

موصل آزاد شد و باید خوشحال بود!

اینکه بالاخره آخرین مقاومت‌های داعش در کوچه پس کوچه های تنگ و پرجمعیت غرب موصل در هم شکسته شد و رسماً خلافت اسلامی ابوبکر البغدادی در موصل به پایان رسید مایه خوشحالی هر انسانی باید باشد که فقط چند صحنه از جنایات این کله درندگان

اسلامی را دیده است.

درست سه سال پیش در آخرین ساعات روز ۹ ژوئن ۲۰۱۴ مردم بی خبر موصل با ورود مردان سیاهپوش ریشوی تا دندان مسلح با پرچمهای لا اله الا الله در شهرشان مواجه شدند که آمده بودند در آن شهر خلافت اسلامی اعلام کنند. همان چند روز اول خلافت اسلامی

نشان داد که چه شرایط هولناکی بر جان و زندگی مردم حاکم خواهد شد. زنان را از خانه هایشان بیرون کشیدند و بازار برده جنسی راه انداختند؛ کودکان هراسان مجبور شدند شاهد صحنه های فجیع سر بریدن ها باشند؛ مردم بهت زده و هراسان شاهد صحنه های سوزاننده و

صفحه ۵

۱۸ تیر از ۷۸ تا امروز

نوید مینایی

صفحه ۷

ترکیه: مردم علیه دولت اسلامی پیا می خیزند!

اتهام انیس بربراولو این است که، اسناد محرمانه دولت ترکیه مبنی بر کمک تسلیحاتی به گروه های جهادی مخالف رژیم اسد در سوریه - از جمله داعش- را، در اختیار جان دوندار سردبیر روزنامه جمهوریت- که او اکنون به عنوان پناهنده در آلمان به سر میبرد- قرار داده است. آقای بربراولو، به بیست و پنج سال زندان محکوم شد. او، علیرغم مصونیت سیاسی، و پیش از صدور رای دادگاه استیناف، روانه زندان شد. البته آقای بربراولو تنها نماینده زندانی نیست. ۱۱ تن از نمایندگان پارلمان حزب دموکراتیک خلقها، از

صفحه ۴

گزارش از راهپیمایی و میتینگ عدالت

سیاوش آذری

"بیطرف" بی بی سی، همصدا با اردوغان و دیگر سردمداران حزب عدالت و توسعه- که قصد کوچک نمایی و کم اهمیت جلوه دادن راهپیمایی ۲۵ روزه و میتینگ عدالت را داشتند- تعداد شرکت کنندگان را، صد و پنجاه هزار نفر گزارش کرد.

راهپیمایی عدالت به دنبال دستگیری نماینده پارلمان حزب جمهوریخواه خلق انیس بربراولو، به اتهام جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی و در اعتراض به نقض سیستماتیک حقوق پایه ای شهروندان توسط حکومت اردوغان آغاز شد.

روز یکشنبه ۹ ژوئیه، راهپیمایی "عدالت" که توسط کمال قلیچداراقلو رهبر حزب جمهوریخواه خلق، از ۲۵ روز قبل از آنکارا به سوی استانبول آغاز شده بود، با یک میتینگ میلیونی در میدان "میتینگ مالتیه" استانبول، به پایان رسید. خبر گذاریهای گوناگون تعداد شرکت کنندگان در این میتینگ را، بین یک و نیم تا دو میلیون نفر، گزارش کردند. اداره پلیس استانبول تعداد شرکت کنندگان را یک میلیون و هفت صد و پنجاه هزار نفر اعلان کرد. این در حالی است که خبرگزاری

پیرامون تحرک و پیشروی جنبش کارگری

گفتگو با شهلا دانشفور



خلیل کیوان: اعتراضات کارگری گسترده است. از جمله روزهای دهم و یازدهم تیرماه شاهد حرکت سازمانیافته و گسترده کارگران شرکتی مخابرات در بسیاری از شهرهای استان های لرستان، خوزستان، فارس، مازندران، کرمان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و همدان، بودیم. کارگران مخابرات با یک اقدام سراسری و همزمان دست به تجمعات اعتراضی در مقابل ساختمان های مخابرات زدند و خواهان عقد قرارداد مستقیم و تامین امنیت شغلی خود شدند. علاوه بر این، طبقه بندی مشاغل نیز از خواست های دیگر کارگران مخابرات می باشد. بعد از آن نیز کارگران جواب تهدیدات مسئولان را با ادامه اعتراضاتشان دادند. یک حرکت سراسری و سازمانیافته علیرغم محدودیت ها و فشارهای امنیتی. چطور ممکن است علیرغم محدودیت ها و فشارهای امنیتی که بر فعالین کارگری و حرکت های اجتماعی وارد می شود، چنین حرکت هایی را سازمان داد؟

"روحانی بنی صدر پیوندتان مبارک"، "مرگ بر آخوند آمریکائی" و "مرگ بر منافق" علیه حسن روحانی سر داده شد. این اتفاقات نشان از این دارد که امروز نزاعهای درون حکومتی وارد فاز جدیدی شده است و ریشه آن نیز در بن بست سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی است. این وضعیت، جمهوری اسلامی را از درون خرد میکند و طبعاً یک نتیجه آن شکنندگی تر شدن و بی روحیه تر شدن نیروی سرکوش است. خصوصاً کشیده شدن نزاعهای حکومتی به خیابان، فرصت تعرض بیشتری به مردم میدهد که با خواسته های اعتراضی شان جلو بیایند و این به نوبه خود جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را در موقعیت قویتری قرار میدهد. از همین رو است که میتوان گفت امروز جنبش اعتراضی کارگری و جنبش های اعتراضی دیگر در سطح جامعه وارد فاز جدیدی شده است و ما شاهد این هستیم که مردم هر روز متعرض تر و سازمانیافته تر به جلو می آیند و خواسته هایشان را طلب میکنند.

در مقابل جمهوری اسلامی نیز فضای پر جنب و جوش اعتراضی در جامعه را می بیند. سنگینی وزن اعتراضات کارگری را در این اوضاع می بیند، به وضع اسفبار خودشان نیز اذعان دارد و بشدت نگران اوضاع است و مرتباً دارند از خطر شورش مردم به یکدیگر هشدار میدهند. در چنین شرایطی حکومت اسلامی تلاش میکند با روشهایی مثل برخ کشیدن قدرت سرکوب خود اوضاع را در کنترل نگه دارد و هر جا زورش رسیده سرکوب کند. از جمله حمله به مجلس اسلامی و قبر خمینی بهانه ای شد برای عملی کردن این سیاست و امنیتی کردن بیشتر جامعه و با بطور مثال مخاطب اصلی حمله موشکی سپاه پاسداران به سوریه نیز در واقع مردم بودند. نیروی انتظامی خود را مقابل مجلس و مراکز مهم دولتی مستقر کردند و گفتند به دلیل امنیت دیگر

تجمع کردن مقابل مجلس ممنوع است. اما معلمان شاغل آزاد تجمعی سراسری مقابل مجلس برپا کردند و در جواب سرکوبگران حکومت اسلامی گفتند، پاسخ ما را بدهید تا تجمع نکنیم. بعد هم مالباختگان کاسپین و نیروهای معترض دیگر مقابل مجلس تجمع گذاشتند و دوباره این محل به مکان اعتراضات اجتماعی مردم تبدیل شد. و در کوران تقلاهای حکومت برای سرکوب جامعه ما شاهد اعتراضات هر روزه کارگران در محیط های کار، به راه افتادن کارزارهایی چون چهارشنبه های بدون حجاب، اعتراضات هر روزه و خیابانی مالباختگان در شهرهای مختلف علیه دزدان حکومتی بوده ایم. تمامی اینها نشان دهنده اینست که تقلاهای حکومت برای سرکوب جامعه دیگر با روتی ندارد. برای مثال در برابر اعتراضات کارگران معدن آق دره از یکسو نیروی انتظامی را به میدان آوردند و به صف کارگران حمله کردند، از سوی دیگر در برابر فضای اعتراضی ای که بلند شد، بطور مسخره ای این حمله را منکر شدند و گفتند درگیری بخاطر دعوی بخشی از مردم روستا و کارگران معدن بوده است. یا در همین دو ماه اخیر نیز ما شاهد موفقیت هایی چون آزادی بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری در اول مه، مرخصی اسماعیل عبدلی از رهبران اعتراضات معلمان در چهارم تیرماه از زندان بندبال اعتراضات گسترده ای که صورت گرفت، لغو حکم یازده سال زندان جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی از رهبران شناخته شده کارگری و رفع اتهامات از خواهران آتنا دائمی بودیم. در نیشکر هفت تپه، در همین اعتراضات اخیرشان ۳۰ نفر از کارگران را تحت عنوان رهبری اعتراضات کارگری از کار اخراج کردند، اما کارگران ایستادند و موفق به بازگرداندن همکارانشان به کار شدند. در چنین فضایی است که اعتصابات سراسری کارگران پیمانی

مخابرات شکل میگیرد و ممکن بودن آنرا مقابل چشم کل جامعه قرار داده است.

خلیل کیوان: با توجه به توضیحاتی که دادید، مشخصاً چه ارزیابی ای از اعتراضات سراسری کارکنان پیمانی مخابرات دارید؟

شهلا دانشفور: اعتراضات کارکنان مخابرات و تبدیل آن به اعتصاب سراسری از یکسو نشاندهنده توازن قوای سیاسی جدیدی است که به نفع ما مردم تغییر کرده است و از سوی دیگر فضای پر تحرک جنبش کارگری در چنین اوضاعی را به نمایش میگذارد. به این اعتبار اتفاق جدیدی است و باید روی آن مکث بیشتری کرد.

اعتراضات کارکنان شرکتی مخابرات از مشهد شروع شد. بعد از آن کارکنان مخابرات در لرستان فراخوان به اعتصاب دادند و موفق به برپایی این اعتصابات شدند. بعد نیز دامنه این اعتراضات سراسری شد. در کوران این اعتراضات مدیریت کارکنان مخابرات را تهدید به اخراج کرد. اما کارگران ایستادند و پاسخ دادند ما را از اخراج ترسانید و در ابعاد سراسری تری در استانهای مختلف تحت عنوان دفاع از همکارانشان در مشهد و در اعتراض به توهین مدیریت مخابرات به اعتراضاتشان ادامه دادند.

این اعتراضات، با نفس جلو آمدن گفتمان بر سر اعتصاب سراسری، این ابزار قدرت نمایی طبقه کارگر و تحقق یافتن آن، آنهم در اوضاع سیاسی امروز، جایگاه مهمی دارد و بطور واقعی در مقابل کل کارگران و کل جامعه راه نشان میدهد. تبیین درست این اتفاقات گام مهمی در پیشروی بیشتر مبارزات کارگری و کل مردم است.

جنبه مهم دیگر اعتراضات کارکنان پیمانی مخابرات، تاکید بر خواست مهم قراردادهای مستقیم است. و این خواست کارگران نفت، پتروشیمی ها، شهرداری ها، معلمان، پرستاران و بخش عظیمی از کارگران است که با این معضل و قراردادهای برده وار پیمانی درگیرند. این اعتراضات میتواند سرخی برای شروع اعتراضات گسترده کارگری با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و انعقاد قراردادهای مستقیم کاری باشد. به این لحاظ نیز اعتراضات سراسری کارکنان پیمانی مخابرات شباهت بیشتری حمایت هاست و باید اخبار این اعتراضات را وسیعاً اطلاع رسانی کرد.

خلیل کیوان: در ادامه اعتراضات سراسری در سال های اخیر توسط معلمان و بازنشستگان آموزش و پرورش، کارگران آتش نشانی، کارگران فشار قوی برق، بازنشستگان فولاد و بخش های دیگری از طبقه کارگر و تهیه طومارهای اعتراضی سراسری توسط بخش های از کارگران از جمله کارگران نفت، تجمع سراسری و همزمان کارگران مخابرات در شهرهای مختلف کشور، گام بزرگی در گسترش مبارزات کارگران سراسر ایران است. با توجه به این شواهد آیا می توان گفت ما با یک تحول در جنبش کارگری و ارتقاء سطح مبارزه هستیم؟

شهلا دانشفور: ما در کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران از یک تحول عظیم در جنبش کارگری در سالهای اخیر سخن گفتیم. تحولی که جنبش کارگری را در آستانه

پیرامون تحرک و پیشروی جنبش کارگری

از صفحه ۲

سازمانیابی توده‌ای قرار داده است. اعتصابات سراسری کارکنان پیمانی مخابرات نه تنها صحت این حقیقت را روشنتر و شفاف تر در مقابل کارگران قرار میدهد، بلکه بطور واقعی گویای ارتقای سطح مبارزات کارگری و کل جامعه و قرار گرفتن جنبش کارگری در آستانه رفتن به سوی اعتصابات سراسری است. به عبارت روشنتر از اسفند ۹۵ که کنگره حزب برگزار شد تا کنون اوضاع سیاسی به قدری جلو رفته است که همانطور که اشاره کردم امروز جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی در سطح جامعه به لحاظ توازن قوا در موقعیت بسیار مساعدتری قرار گرفته اند و این خود کیفیت جدیدی به اعتراضات جاری داده است. از همین رو میتوانم بگویم که تحولات این چند ماهه، جنبش کارگری را در آستانه رفتن بسوی اعتصابات سراسری قرار داده است. همانطور که در سطح جامعه نیز امروز دیگر بحث بر سر نفی عملی حجاب و چهارشنبه های بدون حجاب است. این اتفاقات همه جدیدند و بیانگر کیفیت جدیدی از اعتراض و مبارزه در اوضاع پرجنب و جوش اعتراضی جامعه هستند و دیدن آن مهم است. به این معنا پاسخ من به سوال شما اینست که بله اتفاقاتی چون اعتصابات سراسری کارگران مخابرات در تمام استانها و اعتصاب محلی کارکنان این سازمان در یک روز معین در شهرهای مختلف استان لرستان، اعتراضات قدرتمند کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه و عقب زدن قدم به قدم مدیریت، جلو آمدن دوباره کارگران هپکو با مارش با شکوهشان در وسط شهر اراک و اولتیماتوم آنها در برابر وعده های مدیریت به اینکده اگر اقدامی صورت نگیرد، اعتراضاتشان را گسترده تر از سر خواهند گرفت، گویای فضای پر تحرک جنبش اعتراضی کارگری و ارتقای سطح این مبارزات است.

خلیل کیوان: اعتراضات سراسری و حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی، دو اقدام مهم

جنبش کارگری در جهت اتحاد بیشتر صفوف طبقه کارگر است. طبعاً به میدان آوردن نیروی بیشتر در مقابل دولت و کارفرماها به معنی درجه بالاتری از سازمانیابی در میان کارگران است. چگونه می توان این حرکت را گسترده تر، سازمانیافته تر و موثرتر به پیش برد و صف واحد سراسری طبقه کارگر را شکل داد؟ **شهلا دانشفور:** همانطور که اشاره کرده اید، شرکت فعال خانواده های کارگری در اعتراضات جاری و سراسری تر شدن اعتراضات کارگری، اتفاقات مهمی در جنبش کارگری و در اوضاع سیاسی امروز است. به عبارتی حضور خانواده ها خود یک فاکتور مهم در بالاتر بردن قدرت طبقاتی کارگران در مبارزاتشان و اجتماعی شدن اعتراضات کارگری است که میتواند بیشترین نیرو را به میدان آورد. از همین روست که این اتفاقات کیفیت جدیدی به جنبش کارگری داده و به آن اجازه میدهد که سازمانیافته تر و قدرتمند جلو بیاید. در نتیجه چنین تحولاتی است که جنبش کارگری هر روز وزن سنگین تری در فضای سیاسی جامعه پیدا میکند. برای جلوتر بردن این پیشروی ها که موضوع سوال شماست، قبل از هر چیز باید این اتفاقات شورانگیز را به عنوان نقطه قدرتهای جنبش کارگری دید و به رسمیت شناخت و برای تثبیت آنها تلاش کرد. برای مثال به جرات میتوان گفت که هم اکنون حضور خانواده ها در جنبش کارگری به سنت رایجی تبدیل شده است. از جمله نمونه های اخیر آن حضور فعال خانواده ها در تجمع اعتراضی روز ۱۷ خرداد کارگران نیشکر هفت تپه در شوش، اعتراضات کارگران اخراجی و جویای کار معدن آق دره همراه با خانواده هایشان، اعتراضات کارگران معادن زغال سنگ هشونی غربی و کوهبنان و خانواده های آنها به خاطر تعویق پرداخت دستمزدهایشان است. در اعتراضات کارکنان مخابرات نیز خانواده ها جایگاه مهمی داشته اند. از جمله در پانزدهم تیرماه، این کارگران برای پیگیری خواستههایشان به همراه خانواده هایشان تجمع داشتند. همچنین در سومین روز از تجمعات

سراسری آنان در آبان سال گذشته نیز که بیش از دو هزار نفر از آنها از شهرهای مختلف در مقابل مجلس تجمع داشتند، خانواده ها شرکت فعالی داشتند. دیدن این پدیده مهم فاکتور مهمی در گسترش دامنه اعتراضات کارگری و متحد کردن کل جامعه حول خواستههای سراسری علیه زندگی زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی است. حضور خانواده ها در اعتراضات کارگری و در تمام عرصه های مبارزه در سطح جامعه را باید به امری همه گیر تبدیل کرد.

طبقه کارگر هنوز با کل نیروی طبقاتی اش به میدان نیامده است. حضور خانواده ها فاکتور مهمی در به میدان آمدن کل این نیرو و بسیج کل جامعه پشت خواستههای سراسری کارگری است و این یک تاکید مهم ماست.

تاکید دیگر دیدن توازن قوای موجود و جلو آمدن با خواستههای سراسری است. همانطور که کارکنان پیمانی مخابرات خواستار قراردادهای مستقیم کاری هستند و این یک خواست سراسری کارگری است. تاکید دیگر، دامن زدن به جنبش برای سازمانیابی توده ای کارگری در سطحی سراسری است. تاکیدی که موضوع یکی از قرار های کنگره دهم حزب بود.

اعتراضات کارکنان پیمانی مخابرات در سال گذشته و دور اخیر مبارزاتشان از وجود شبکه گسترده ای از ارتباط در میان این کارگران در سطح سراسری حکایت دارد. شبکه هایی که اساساً در مبدای اجتماعی شکل گرفته اند. و در واقع در بستر این شبکه هاست که اعتصابات سراسری شکل گرفته است و در همین بستر نیز کارگران مخابرات میتوانند و حیاتی است که تشکل سراسری و توده ای خود را شکل دهند.

یک تاکید و فراخوان مهم من به کارگران عضویت در حزب کمونیست کارگری است.

خلیل کیوان: شما بر این باورید که گرایشات و محافل مختلف کارگری می توانند متحدانه در جهت اتحاد صفوف مبارزاتی طبقه کارگر همکاری کنند. قدری در این مورد توضیح دهید.

شهلا دانشفور: درست است. گرایشات مختلف در جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی موجود فعالند. به نظر من این گرایشات و محافل مختلف کارگری میتوانند حول خواستههای سراسری کارگری و علیه تعرضات هر روزه حکومت اسلامی متحد عمل کنند. بطور عملی نیز این اتفاق افتاده است. نمونه اش قطعه نامه های تشکلهای مختلف کارگری در مناسبت های مختلفی چون روز جهانی کارگر و علیه تعرضات حکومت اسلامی چون اعتراض علیه طرح ضد کارگری اصلاح قانون کار و یا بیانیه هایی با امضای فعالین و رهبران کارگری از طیف ها و گرایشات مختلف علیه امنیتی کردن مبارزات و در کارزارهای مختلف را شاهد بوده ایم. اقداماتی از این دست، میتواند صفا قدرتمند از رهبران اعتراضات کارگری و تشکلهای کارگری را در مقابل حکومت اسلامی و تعرضاتش قرار دهد. این به نفع جنبش کارگری است و در راستای تقویت آنست. طبعاً در اقداماتی از این دست نیز هر گرایشی تلاش دارد، گفتمان خود را به جلو برد. گرایش چپ و رادیکال نیز به درجه ای که بتواند بر خواستههای اعتراضی خود صراحت و شفافیت دهد، به همان درجه میتواند مهر خود را بکوبد و رنگ خود را به اعتراضات جاری کارگری بدهد. خوشبختانه وقتی به جنبش اعتراضی کارگری و جنبش های اعتراضی در کل جامعه نگاه میکنید، دفاع از آزادیخواهی، انسان دوستی، برابری طلبی و به مصاد گرفتن تمام فجایع و تبعیضات حاکم در جامعه و ضدیت با فساد و دزدی نشاندهنده غالب بودن ایده آلهای و آرمانهای چپ در جامعه است. اما در عین حال خط قرمزهایی هم وجود دارد. خط قرمزها گرایشات و جریاناتی هستند از نوع

ملی اسلامی ها و طیف های رنگارنگ آن که یک تلاش دائم آنها کشاندن مبارزات کارگران و کل جامعه بدنبال این جناح و آن جناح حکومتی، نگاهداشتن و منحصر کردن این مبارزات در چهارچوب های قوانین جمهوری اسلامی و ساختارهای آن است. گرایشاتی که عملاً برای حکومت وقت میخزند و مبارزات مردم را با سردواندن در کربورهای قانون و دستگامه های حکومتی به فرسودگی میکشاند. بطور مشخص عملکرد اینگونه گرایشات را در کانونهای صنفی معلمان، پرستاران و در جنبش کارگری به روشنی دیده ایم و تجربه کرده ایم که در مقاطعی به ترمزی در مقابل رشد این مبارزات تبدیل شده اند. و یا گرایشاتی که با دامن زدن به قومگرایی، خرافه و عقب ماندگی عملاً در صفوف اعتراضات جامعه تفرقه ایجاد میکنند و آنرا به بیراهه میکشند.

نقد و افشای این گرایشات و منزوی کردن آنها، نقد و افشای تشکلهای دست ساز حکومتی، این ارگانهای جاسوسی حکومت در محیط های کار که همواره تلاششان بر کشاندن مبارزات کارگران بدنبال جناحهای حکومتی و مهار این مبارزات بوده است و کنار زدن آنها به عنوان یک مانع از مقابل مبارزات کارگری، یک گام مهم در پیشروی جنبش کارگری و قرار دادن افق روشن در مقابل مبارزات کارگران و کل جامعه است.

خلیل کیوان: برخی بر این باورند که در وضعیت فعلی و با توجه به فشار امنیتی که بر رهبران و فعالین کارگری وارد می شود امکان تشکل یابی سراسری ضعیف و حتی ناممکن است. شما در این مورد چه نظری دارید؟

شهلا دانشفور: ما پاسخ این ناباوری را در همان قطعه نامه در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری در ایران در کنگره دهم دادیم. در سر سخن این قطعه نامه اعلام کردیم که در فضای متحول اجتماعی و موج هم سرنوشتی و همبستگی با مبارزات کارگری، این جنبش اکنون نقل سیاسی مهمی در جامعه پیدا کرده و به آستانه ایجاد تشکلهای

ترکیه: مردم علیه دولت اسلامی بپا می خیزند!

از صفحه ۱

مبارزه طبقاتی و اجتماعی در ترکیه داشت. قیام ژوئن ۲۰۱۳ که به قیام پارک گزی مشهور است، نمود رشد نارضایتی اجتماعی عمیق از سیاستهای اسلام سیاسی در ترکیه است. این قیام، پایه های حکومت اردوغان را لرزاند، بنحوی که شیخ آن همچنان مایه وحشت اردوغان و حزب عدالت و توسعه اوست. کودتای نافرجام خود، برآمده از بحران سیاسی و حکومتی، تشتت در صفوف جنبش اسلام سیاسی، و ناتوانی آن در کنترل، فرو نشاندن و سرکوب مبارزات اجتماعی در ترکیه بود. به این معنی، اسلام سیاسی در ترکیه مطلوبیت سیاسی خود را حتی برای بخش بزرگی از بورژوازی ترکیه نیز از دست داده است.

اردوغان به دنبال کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ توسط هواداران فتح الله گولن - که بیشتر یک رودرویی مسلحانه بین دو جناح اسلام سیاسی "میانه رو" بود که تا چندی پیش در یک ائتلاف به سر میبردند- با استفاده از بی تحرکی نیروهای اپوزیسیون و با وجود تضعیف موقعیت سیاسی اش بعد از کودتا، با هدف تثبیت قدرت خود، وضعیت فوق العاده اعلام نمود و به دنبال آن به تصفیه نیروهای مخالف پرداخت. موج تصفیه در ابتدا ظاهراً معطوف به اعضا و هواداران گولن بود اما، دامنه تعرض اردوغان با مرور زمان و تا حدود زیادی بعلت پاسیفیزم نیروهای چپ و سنیکیکاهای کارگری، به تمامی نیروهای مخالف و چپ گسترش یافت. اما، علیرغم سرکوب های لجام گسیخته توسط اردوغان، او قادر به تثبیت موقعیت متزلزل سیاسی خویش نگردیده است. در زیر به دلایل آن می پردازیم.

۱- رودرویی نظامی میان متفقین سابق رعدی در آسمان بی ایر نبود. این حلقه ای از یک سلسله رودرویی سیاسی بود که ریشه درگسترش

سیاسی این ناتوانی است. بورژوازی ترکیه در این مدت به کرات خواهان لغو وضعیت فوق العاده شده است. جالب اینکه، اردوغان به دفعات متعدد سعی در مطلوب جلوه دادن وضعیت فوق العاده برای بورژوازی داشته است. اردوغان روز چهارشنبه ۱۲ ژوئیه، در یک گردهمایی، خطاب به کارفرمایان گفت که: هدف اصلی وضعیت فوق العاده، جلوگیری از اعتصابات کارگری است. با این حال، اردوغان قادر به مجاب کردن بورژوازی بزرگ در ترکیه نشده است. به این ترتیب، اسلام سیاسی، چه با وضعیت فوق العاده و چه بدون آن، خود عاملی در تعمیق بحران سیاسی و اجتماعی در ترکیه است.

۲- اعلام و اعمال وضعیت فوق العاده در جامعه، خود نشاندهنده ناتوانی هیئت حاکمه در مهار اعتراضات اجتماعی و نشانگر یک بحران عمیق اجتماعی است. این وضعیت در کشوری که بورژوازی آن در پی ادغام همه جانبه در بازار جهانی است و بویژه، خواستار انتگره شدن در سرمایه اروپا است، و مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا را به پیش میبرد، یک زنگ خطر است. این، عاملی است که موجب فرار سرمایه از این کشور میشود. به بن بست رسیدن مذاکرات با اتحادیه اروپا، تنش میان اردوغان و دول اروپایی، رجز خوانی حکومت اسلامی ترکیه علیه کشورهای غربی، و چنگ زدن به سیاستها و شعارهای ناسیونالیستی و شونیستی، نمادهای مختلف

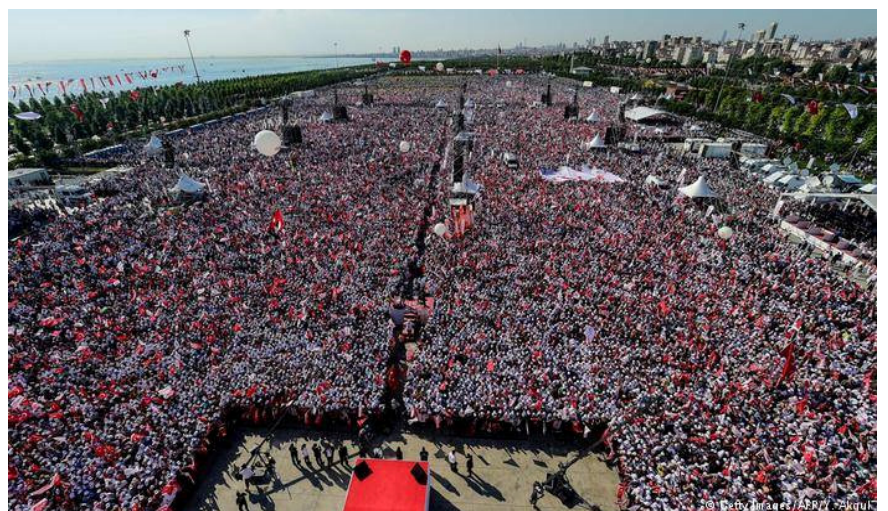
جهانی و موقعیت اردوغان را بسیار شکننده تر از پیش کرده است. اردوغان در تمامی شهرهای بزرگ از جمله استانبول، آنکارا، ازمیر، آدانا و آنتالیا که مراکز ثقل اقتصادی و سیاسی ترکیه را تشکیل میدهند، در فرزند شکست خورد. اکثریت رای دهندگان جوان ۱۸ تا ۲۵ سال، در فرزند علیه اردوغان رای دادند. به قول ارطغرل کرکچی نماینده کمیونسیت حزب دمکراتیک خلقها، اردوغان با این رفتارند، تمامی راههای فرار خویش را بست و خود را در محاصره قرار داد.

۳- با وجود حملات گسترده به حقوق اجتماعی، تعقیب و دستگیری مخالفان و منتقدان و اکتویستهای چپ، تروریزه کردن جامعه، سرکوب نیروهای اپوزیسیون کرد، سانسور مطبوعات و دیگر رسانه ها، حکومت اردوغان موفق به مرعوب کردن جامعه نشده است. یکی از مهمترین نشانه های شکست سیاست مرعوب کردن جامعه، نتایج فرزند برای تغییر قانون اساسی ۱۶ آوریل است. اردوغان، علیرغم فشار بر اپوزیسیون و جلوگیری از فعالیت سیاسی و تبلیغاتی این نیروها با استناد به وضعیت فوق العاده و ایجاد فضای جنگی در مناطق کرد نشین و همچنین، استفاده انحصاری از تمامی امکانات دولتی، از جمله تلویزیون و رادیوی دولتی، و تقلب در انتخابات، تنها ۵۱ درصد آرا را، کسب کرد. به این دلایل، نتایج فرزند فاقد هر گونه وجاهت و مشروعیت در انتظار عمومی و

راهپیمایی و میتینگ عدالت را باید در متن این شرایط مورد ارزیابی قرار داد. واکنش اردوغان و حزب حاکم در ابتدا تحقیر و استهزای این راهپیمایی بود. اردوغان و دیگر سردمداران حزب عدالت و توسعه با لحنی لپن مابانه ادعا میکردند که راهپیمایی به فرجام نخواهد رسید. چندی بعد با تروریست و کودتاجی خواندن راهپیمایان، تلاش به تحریک مردم علیه این راهپیمایی نمودند اما، این حربه نیز نگرفت. پس از آن، با تهدید و شانتاژ خواهان قطع راهپیمایی شدند که به نتیجه نرسید. حتی در یک گردهمایی افطار با روسای رسانه های عمومی، اردوغان خواهان عدم پوشش خبری

راهپیمایی شد. این تلاش هم شکست خورد. با نزدیکتر شدن راهپیمایان به استانبول، همچنان به تعداد شرکت کنندگان افزوده شد. تمامی نیروهای اپوزیسیون، سنیکیکاها، احزاب چپ رادیکال و طیف های مختلف، از جمله حزب دمکراتیک خلقها پشتیبانی خود از راهپیمایی را اعلام کرده و به آن پیوستند. راهپیمایی و میتینگ تنها با یک شعار؛ "عدالت برای همه"، و بدون حمل بنر و پرچم احزاب انجام گرفت. در انتها، در میتینگ عدالت، کمال قلیچداواقلو، مانیفستی ۱۰ ماده ای را قرائت کرد که از جمله مطالبات آن؛ آزادی تمامی روزنامه نگاران و نمایندگان زندانی، الغای وضعیت فوق العاده، اعاده حیثیت و بازگشت کلیه اخراج شدگان از جمله اساتید دانشگاه ها به مشاغلشان، پایان دادن به دستگیریهای بدون مدرک جرم، احیای حق محاکمه در دادگاه های صالح و مستقل و احترام به حقوق پایه ای انسانها بود.

راهپیمایی و میتینگ میلیونی، فضای سیاسی ترکیه را به شدت به سود اپوزیسیون و علیه حکومت اردوغان تغییر داد. نیروهای اپوزیسیون اعتماد به نفس تازه ای یافتند و روند متشکل تر شدن اپوزیسیون که از دوره فرزند آغاز شده بود، شتاب بیشتری به خود گرفت. این راهپیمایی نشان داد که، جامعه ترکیه مرعوب سیاستهای اسلامیستها و دار و دسته اردوغان نگردیده است و اپوزیسیون قابلیت های بسیار بیشتری از اردوغان و حکومت و حزبی در تعیین شرایط آینده ترکیه دارد. پیروزی مردم و نیروهای آزادیخواه محتوم نیست اما، این راهپیمایی و میتینگ عظیم نشان داد که ترکیه بر سر یک دوراهی سرنوشت ساز قرار دارد. شرایط برخی فعلی قابل ادامه نیست. بعد از این حرکت، نیروهای اپوزیسیون، مردم و جریانات آزادیخواه و برابری طلب، با روحیه ای بالاتر، نیرویی بیشتر و متشکل تر، بسوی بزرگراه تاریخی حرکت خواهند کرد.



کمک مالی به حزب:

۵۰۰ دلار

علی از آمریکا

موصل آزاد شد!

از صفحه ۱

غرق کردن انسانهای محبوس در قفسها شدند. همه اینها ارمان جهان گنبدیده و بحران زده سرمایه داری است که رهبر "جهان آزادش" ۴۱ سال پیش با یکی از بزرگترین تهاجم میلیتاریستی قرن ۲۱ کشور عراق را به ویرانه ای کامل و به حفره ای سیاه تبدیل کرد که از درونش انواع و اقسام هیولاهای دهشتناک سربلند کردند که یکی هم داعش است.

قبلا مردم ایران ظرفیت بالای جنبش اسلامی در سببیت را در شاخه شیعی آن در قالب حکومت اسلامی تحت رهبری خمینی دیده بودند. این بار شاخه سنی این جنبش تحت رهبری ابوبکر البغدادی، هم ابتکارات تازه ای در بیرحمی و توحش به میدان آورد و هم توحش عنان گسیخته اش را به نمایش گذاشت و به آن علنا افتخار کرد.

حتی ما که از کنج خانه هایمان اخبار این اتفاقات هولناک و جنایات را شنیده ایم، جنایاتی که آنچه آن فحیح است که حتی جرئت نکرده ایم تصاویر و ویدیوهایش را نگاه کنیم، باید از بیرون راندن داعش از موصل عمیقاً خوشحال باشیم، چه برسد به انسانهایی که خود قربانیان مستقیم یا شاهدان مستقیم این جنایات بوده اند. به هر حال همینکه شهری با جمعیت اولیه دو میلیونی، که نصف بیشترش آواره و بی خانمان هستند، و دهها هزار نفرش کشتار شده اند، از چنگال خلافت اسلامی داعش آزاد شده اند، مایه خوشحالی هر انسانی باید باشد. این ابتدایی ترین احساس هر انسانی باید باشد که از درد و رنج همنوعانش متاثر است.

موصل آزاد شد اما آیا خطر داعش و تروریسم اسلامی در منطقه و جهان و مشخصاً عراق به پایان رسیده است؟

داعش در موصل عراق به لحاظ نظامی در هم شکسته شد. در رقه سوریه هم در حال شکست است. اما مطلقاً نباید توهم داشت که شکست نظامی داعش در موصل و رقه پایان کار داعش و به طریق اولی، پایان کار

تروریسم اسلامی در منطقه و جهان است.

اولاً، هنوز داعش جدا از مناطقی در سوریه، در خود عراق در مناطقی مثل تلعفر و اطراف موصل حضور دارد و حتماً هنوز تعدادی در ویرانه های موصل باقی مانده اند و شاید حتی در شهرها و روستاهای اطراف پخش شده اند تا پرچم خون آلودشان را در جایی به اهتزاز درآورند و اگر دستشان برسد همچنان سربرند و آدم بسوزانند و انتقام خلافت در هم شکسته شده شان را بگیرند. فراتر از این، دار و دسته های اسلامی زیادی در ازبکستان، افغانستان، پاکستان، لیبی، نیجریه، سومالی، سودان و تعداد زیادی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، مخصوصاً کشورهای که ساختار سیاسی شان بعد از فروپاشی جهان دو قطبی به هم ریخته است، هنوز فعالند و میتوانند به مثابه بخشی از اسلام سیاسی سنی زندگی مردم را به خون بکشند.

تا آنجا که به عراق مربوط است نه داعش و نه انواع دستجات مسلح اسلامی رقیب شیعی که در عراق جولان میدهند یکباره از آسمان فرود نیامده بودند که یک باره بخار شوند و محو شوند. دستجات ترور اسلامی سنی و شیعه فقط بازیگران جلوی صحنه هستند. همه این دار و دسته ها صاحبی دارند که به مشابه بازیگران اصلی، سالهاست که منطقه را به خون کشیده اند. عربستان سعودی، جمهوری اسلامی و ترکیه در راس دول مرتجع منطقه هستند که بر روی ویرانه های عراق و سوریه و بالای سر صدها هزار کشته و میلیونها آواره دارند موقعیت سیاسی خود در مقابل رقبای را مستحکم میکنند. و در سطح جهانی این آمریکا و روسیه هستند که در جهان در هم ریخته بعد از پایان جهان دو قطبی دارند نقش و جایگاه آتی خود را به قیمت جان و زندگی میلیونها انسان در سوریه و عراق رقم میزنند.

داعش فقط بخشی از شبکه سنی تروریسم اسلامی است و یک بخش مساله است. در کنار بقایای داعش دهها باند مسلح شیعی سر به جمهوری اسلامی در عراق و منطقه جولان میدهند. اینها به خاطر نجات مردم از تروریسم داعش وارد جنگ

نشده بودند که با رفتن داعش بساطشان را جمع کنند و به پایگاههایشان برگردند. نیروهای مثل حشد الشعبی (نسخه عراقی بسیج اسلامی در ایران) که سلاح و ایدئولوژی را جمهوری اسلامی تامین میکنند، جنگ نیابتی جمهوری اسلامی در عراق را پیش میبرند. اینها تا جمهوری اسلامی هست نقش خواهند داشت. این همه جانفشانان بسیج اسلامی قرار نیست حرماً را حفظ کند. اینها قرار است کربور آزادی باز کنند که تهران و بغداد را به دمشق و لبنان وصل کنند و کل این هلال شیعی را به دریای مدیترانه برسانند و در نهایت دست حکومت اسلامی برای حمایت از بشار اسد و حزب الله لبنان بازتر باشد و "محور مقاومت" شیعی موقعیت بهتری در منطقه پیدا کند. تا بساط این نیروها از عراق جaro نشود، مردم عراق روز خوش نخواهند دید و روشن است که این امر در گرو پایین کشیدن خود حکومت اسلامی در ایران است.

تا زمانی که عراق صحنه رقابت دول منطقه و جهان برای پیشبرد سیاستهایشان است؛ تا زمانی که آمریکا و روسیه و جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان سعودی و نیروهای تحت حمایتشان بتوانند صحنه سیاسی عراق را بر محور قومیت و مذهب و نفرت قومی و مذهبی سازمان دهند؛ مردم عراق روی آرامش را به خود نخواهند دید. و در سطح پایه ای تر باید تاکید کرد که جهان سرمایه داری تا خرخره در بحران فرورفته به جنبش اسلامی نیاز دارد. اگر امروز با یکی از شاخه های این جنبش شاخ به شاخ میشود مطمئن باشید که در همان حال شاخه دیگری را زیر بالش پرورش میدهد. باید یک جایی از دنیا، هیولایی خوفناک وجود داشته باشد که دول غرب و متحدین منطقه ای اش و همچنین رقیب روسی و متحدینش، آن را نشان مردم بدهند و به نام مقابله با آن، سیاستهای ارتجاعیشان را، هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه و جهان پیش ببرند.

آنها که پای اصلی مساله هستند نمیتوانند حتی بخشی از راه حل باشند!



مجهز کند و زیر پایش را محکم کند.

از سوی دیگر، آیا واقعا کسی میتواند اتحاد پوتین و خامنه ای و بشار اسد علیه تروریسم اسلامی را جدی بگیرد که فقط به خاطر تلاششان برای سرپا نگه داشتن جنایتکاری مثل بشار اسد، جایشان در همان دادگاه عادلانه و در کنار جنایتکاران طرف دیگر است؟ همزمان که نمایش مسخره آمریکا و عربستان و متحدینشان علیه قطر به نام مقابله با تروریسم در جریان است، موسسه هنری جکسون در انگلستان، گزارش مفصلی در باره حمایت گسترده و سابقه دار عربستان سعودی از گروههای تروریست سلفی منتشر کرد و در آن حتی، با اسم و رسم به ارتباط مستقیم مقامات و بنیادهای مستقر در عربستان با گروههای جهادی در بریتانیا و سایر نقاط جهان اشاره شده است.

تازه این گزارش از دست حکام انگلستان در رفته است. ترزا می، نخست وزیر انگلستان که در سفر به عربستان تاکید کرده بود روابط سیاسی و اقتصادی لندن با ریاض برای کشورش بسیار ضروری و حیاتی است تا کنون از انتشار عمومی و علنی گزارش مفصل دیگری در زمینه نقش عربستان سعودی در حمایت معنوی و مالی و لجستیکی از تروریسم اسلامی شاخه سنی، ممانعت کرده است. یک شرط مهم رهایی منطقه و عراق از چرخه خشونت تروریسم اسلامی قطع کردن پای همه دول مرتجع منطقه و حامیان جهانیان از زندگی مردم است. دولتهایی که جنبش اسلامی علی العموم و انواع دسته های تروریست را نیاز دارند و همچنان تولید و بازتولید خواهند کرد.

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

اخبار همچنان از اعتراضات گسترده کارگری حکایت دارد. کارفرما تهدید میکند. اخراج میکند. اما کارگران می ایستند و حقشان را طلب میکنند. موفقیت کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به تحمیل پرداخت هزینه بازنشستگی شان، عقب نشینی مخابرات و وعده مسئولان برای بازگشت به کار کارکنان اخراجی مخابرات لرستان و سه هفته اخیر اعتصاب یکپارچه کارگران میدان نفتی آذر ایلام است که از اول تیرماه شروع شد و همچنان ادامه دارد. نگاهی به این خبرها و ماجرای اعتصاب متحد میدان نفتی آذر ایلام بیش از پیش حال و هوای جنبش اعتراضی کارگری را به نمایش میگذارد.

اعتصاب متحد کارگران میدان نفتی آذر ایلام

۱۵۰ کارگر اخراج شدند، کارگران به اعتصابشان ادامه میدهند.

اعتصاب کارگران مرکز نفتی آذر ایلام از اول تیر ماه آغاز و به مرور تعداد بیشتری از کارگران و نیز کارکنان دفاتر فنی و مهندسی شرکت که صد نفر می شدند، به آن پیوستند. در این حرکت اعتراضی علیرغم تهدیدات روسای شرکت (رحیم پور، بابک شمشیری و امثالهم)، کارگران به اعتراضاتشان ادامه داده و دستمزدهای پرداخت نشده خود را طلب کردند. همچنین یک موضوع دیگر اعتراض کارگران، خطر بیکارسازیها بود. از قبل صحبت از تعطیلی کارگاه و بیکارسازی کارگران و واگذاری کار به پیمانکاران در میان بود و حتی قسمتهایی از جمله: پایپینگ، سویل و قسمتهایی از کار برق را به بخش پیمانکاری واگذار کرده بودند.

در روزهای اول اعتصاب کارکنان دفاتر فنی و مهندسی با وعده پرداخت حقوقشان در روز دوازدهم ماه جاری به سر کار خود برگشتند. اما همه کارگران وفنی کاران همچنان در دمای شدید و سوزان بدون هیچ امکان سرمایه‌

و به علت وعده های دروغین مسئولین در اعتراضات قبلی شان، همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند. در ادامه اعتصاب و در تاریخ تعیین شده دوازدهم تیرماه کارگاه توسط شرکت کارفرما (سروک) و روسای شرکت به حالت تعلیق در آمد و به خاطر تجمع نکردن کارگران در داخل کارگاه و محوطه کار، اعلام داشتند که برای چند روز ساعت ۷ صبح کارگران بعد از کارت زدن و اعلام حضور به خوابگاه خانه های خود برگردند. البته از قبل صحبت از تعطیلی کارگاه و بیکارسازی کارگران و واگذاری کار به پیمانکاران در میان بود و حتی قسمتهایی از جمله: پایپینگ، سویل و قسمتهایی از کار برق را به بخش پیمانکاری واگذار کرده بودند.

روز ۱۴ تیر اعتصاب کارگران سنگین تر از روزهای قبل در جریان بود تا جایی که کارگران معترض برق اصلی دفاتر شرکت توسعه آب و گاز و شرکت کارفرما (سروک) را قطع کردند و بقیه نیروهای دفاتر فنی مهندسی نیز برای بار دوم به اعتصاب پیوستند و تعداد اعتصاب کنندگان حدودا به ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر رسید. در این روز از طرف شرکت کارفرما اقداماتی برای وصل کردن برق شرکت صورت گرفت، اما کارگران جلوی این کار آنها را گرفتند. در ادامه کارگران درب شرکتیهای ذکر شده را بستند و اجازه تردد هیچ یک از ماشینهای این شرکتها را ندادند.

روز پانزدهم تیر یکی از سهامداران شرکت توسعه آب و گاز به اسم خانم شریفی از تهران به این منطقه آمد و برای فرستادن کارگران به سر کارشان اعلام کرد، تا پایان هفته حقوق معوقه سال جاری و تا روز ۱۷ تیر طلب همه کارگران بابت عیدی پرداخت خواهد شد. او سپس اطلاع داد که شرکت از هفدهم تیرماه تقریبا تعطیل خواهد شد و تنها ۵۰ تا ۶۰ تن از کارکنان باقی خواهند ماند و با تهدید کارگران به اخراج، اعلام کرد که اگر کسی کار میخواید باید فوری سر کار خود باز گردد! اما این تهدیدات با مقاومت

تعدادی زیادی از کارگران روبرو شد و کارگران اعلام کردند که اعتمادی به این وعده ها ندارند و به اعتصابشان ادامه میدهند. در این میان ۱۵۰ تن از کارگران که حقوقشان پرداخت شده است، اخراج شدند، اما اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد.

گفتنی است که میدان نفتی آذر ایلام که میان ایران و عراق مشترک است، در ۲۵ کیلومتری شهر مهران قرار دارد. فاز اول برداشت نفت از این میدان نفتی اواخر سال ۹۵ با شرکت بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت آغاز شد و قرار بود فاز دوم آن سال ۹۷ به بهره‌برداری برسد.

هزینه بازنشستگی ۳۴۱ کارگر نیشکر هفت تپه پرداخت شد

بعد از گذشت حدود دو ماه از برپایی اجتماعات اعتراضی ۳۴۱ بازنشسته نیشکر هفت تپه که هر روزه برپا می‌شد، سرانجام کارفرما هزینه بازنشستگی آنان را پرداخت کرد. این کارگران از اسفند ماه سال

۹۵ مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور شده بودند اما به دلیل عدم واریز ۴ درصد حق بیمه توسط کارفرما، صدور احکام بازنشستگی آنها تاکنون به تاخیر افتاده بود. اما سرانجام کارفرما ناگزیر شد ترک کار آنها را از تاریخ ۲۵ اسفند سال ۹۵، مورد تایید قرار دهد و طبق قانون از مرداد ماه مستمری بازنشستگی آنها پرداخت خواهد شد.

بدین ترتیب کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه با مبارزات متحد خود و علیرغم تهدیدات و فشارهای مقامات مسئول توانستند خواست خود را به کرسی بنشانند.

یک عقب نشینی: وعده بازگشت به کار کارکنان اخراجی مخابرات لرستان



بازنشستگان نیشکر هفت تپه

بدنبال تجمعات مکرر نیروهای شرکتی مخابرات لرستان در حمایت از همکاران اخراجی خود، محمدرضا ملکشاهی راد، معاون وزیر وعده داد که به زودی کارکنان اخراجی مخابرات به سر کار باز خواهند گشت. کارکنان مخابرات اعلام کرده اند که تا زمانی که تکلیف همکاران اخراجی آنها روشن نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. گفتنی است در روزها و هفته‌های گذشته کارکنان شرکتی مخابرات لرستان همزمان با دیگر استان‌ها اعتصابی سراسری بر پا کردند. خواسته آنها علاوه بر بازگشت به کار همکاران اخراجی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و عقد قرارداد مستقیم با شرکت مخابرات است.

نمی‌توانید مردم جهان را فریب بدهید

پیرامون بازید مهندسی شده سفرای کشورهای خارجی از زندان اوین

زدند، چیزی جز منافع پلید سیاسی و اقتصادی خود را در دنبال نمی‌کنند. این دیپلماسی رسوا و خونین در خاطره تاریخی مردم ایران باقی خواهد ماند.

حزب کمونیست کارگری ایران، این اقدام وقیحانه برای فریب افکار عمومی جهان را شدیداً محکوم می‌کند. ما در کنار همه زندانیان سیاسی و خانوادگی داغ‌دیده آنها از همه مجامع حقوقی جهان می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به جرم بیش از سه دهه جنایت علیه بشریت و فریب افکار عمومی جهان، از کلیه مجامع بین‌المللی اخراج نمایند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیرماه ۱۳۹۶

۷ جولای ۲۰۱۷

اسلامی در مجامع بین‌المللی، سازمان عفو بین‌الملل، و سازمان ملل متحد بر هیچ کس پوشیده نیست. کمتر نهاد و مجمع مدافع حقوق انسانها، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای معتبر حقوقی در جهان یافت می‌شود که جمهوری اسلامی را به دلیل سرکوب‌های خونین در زندانهای حکومت و از جمله در بد نام‌ترین و مخوفترین آنها - زندان اوین- محکوم نکرده باشد. بندهای ۳۵۰ و ۲۰۹ و بند الف این زندان، سیاهچالها و حسینیه‌ها و سلولها و شکنجه‌گاههای این زندان، بخشی از کارنامه سراسر جنایت و فراموش نکردنی از تاریخ خونبار و ضد بشری جمهوری اسلامی است.

تمامی سفرایی که وقیحانه در این فریبکاری چندش آور شرکت کردند و خود را به این بلاهت به‌ت‌آور

روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه، برابر با ۵ جولای، امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر قوه قضاییه در نمایشی مضحک و مشتمل‌کننده، تعدادی از سفرای کشورهای خارجی را برای بازید مهندسی شده از زندان اوین گرد آورد.

این اقدام بیش از هر چیز گواهی این است که جمهوری اسلامی به دلیل بیش از سه دهه رفتار فوق خشن و جنایتکارانه با مخالفان سیاسی خود، در افکار عمومی جهان بشدت رسوا و تحت فشار است. این نمایش تهوع‌آور چیزی جز استیصال جمهوری اسلامی در برابر وجدان آگاه و بیدار جهان متمن نیست. جمهوری اسلامی نمی‌تواند در پس این بازی کثیف دیپلماتیک دستان خونین خود را پنهان سازد. محکومیت مستمر جمهوری

۱۸ تیر از ۷۸ تا امروز

نوید مینایی

۱۸ سال پیش در چنین روزهایی جامعه ایران شاهد يك اعتراض عمومی علیه حاکمیت استبدادی بود. ۱۸ تیر ۱۳۷۸ اولین اعتراض از نوع اعتراضات عمومی ضد حکومتی در دوره حیات ننگین حاکمیت اسلامی بود. اعتراضی که به بهانه بسته شدن روزنامه سلام از کوی دانشگاه تهران شروع شد و بلافاصله به اعتراضی عمومی تبدیل شد. روزنامه سلام با مدیریت موسوی خوینییی ها به دلیل تیتیری که درباره قانون مطبوعات زده بود و مدعی شده بود اصلاح این قانون پیشنهاد سعید امامی بوده، توقیف شد. دانشجویان به بهانه بسته شدن این روزنامه و در اعتراض به سرکوب آزادیها در کوی دانشگاه اعتراضاتی را سازمان دادند که به بیرون دانشگاه کشیده شد. شورای امنیت ملی به مدیریت روحانی و ریاست خاتمی، اعتراضات را تهدید علیه امنیت نظام نامیدند و برای سرکوب آن هر آنچه در توان داشتند، بکار بردند. به سپاه و بسیج و نیروی انتظامی اجازه حضور در دانشگاه و سرکوب دانشجویان را دادند و قمه کش هایشان را هم به خیابان آوردند تا مردم به جان آمده از استبداد را، سرکوب کنند.

۱۸ تیر گرچه از کوی دانشگاه شروع شد ولی به زودی اقشار مختلف مردم به آن پیوستند و آن را گسترش دادند. از جمله مشخصه های مهم اعتراضات ۱۸ تیر، حضور شجاعانه و پررنگ زنان در آن بود. برای اولین بار بود که حکومت اسلامی بعد از ۲۰ سال سرکوب خوین با چنین چالشی مواجه می شد. جبهه آرایخواهی زنان که با سرکوب مضاعف حکومتی و اسلامی تا آن روز بیشترین فشار را روی خود داشت، به یکباره منفجر شد. زنان در خیابان ها علیه استبداد و حفقان حکومتی شعار می دادند. این، سرآغازی برای حضور شجاعانه و پررنگ زنان در اعتراضات بعدی شد. مشخصه دوم اعتراضات ۱۸ تیر، زدن زیر برنامه های خاتمی و جبهه اصلاحات بود. معلوم شد مردم ادعای خاتمی مبنی بر دفاع از آزادی اندیشه و بیان را باور ندارند و با شعار "آزادی اندیشه با ریش پشم نمی شه" نشان دادند فریب این شارلاتان بازی را نخورده اند. و برای جامعه جهانی معلوم شد که خاتمی این سردار اصلاحات و گفتگوی تمدن ها و روحانی، با دستور سرکوب اعتراضات دانشجویان و مردم، در راس حکومتی هستند که نشانی از تمدن و مدنیت ندارد.

حکومتی هستند به جزء ثابت مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی تبدیل شد.

در ۲۳ تیر ۱۳۷۸ روحانی به سخنگویی از طرف شورای امنیت ملی و مجموعه حاکمیت، در ادامه دفاع شداد و غلاظتی که از اصل ولایت فقیه کرد، اعلام کرد با معترضین به شدیدترین وجهی برخورد شده و امت اسلامی مطمئن باشند حکومت کنترل اوضاع را در دست دارد. جناب روحانی و رئیس اش خاتمی که از وحشت از دست دادن کنترل جامعه به خود لرزیده بودند به همپالکی هایشان اطمینان می دادند بر اوضاع مسلط هستند و بنا دارند جامعه را به هر قیمتی سرکوب کنند. نمایندگان "جامعه مدنی" و "رسالت" در کنار هم، به سرکوب آزادی بیان و اعتراضات به حق مردم پرداختند. امروز همان ها که دستور سرکوب خوین ۱۸ تیر را دادند، شده اند پیشقراولان دموکراسی و تحمل



منتقد و مخالف خاتمی و روحانی که روزی دست در دست هم و زیر عبای خامنه ای، دانشگاه و مردم معترض را سرکوب کردند، امروز توسط امثال بی بی سی و رادیو فردا به عنوان منادیان دموکراسی و تکثر گرایی به جامعه معرفی می شوند. ۱۸ تیر نشان داد مردم دل در گروی هیچ جناحی از حاکمیت اسلامی ندارند و آنجا که اعتراضات شان حتی، حمایت از يك جناح می نماید، در واقع، بدنبال بهانه ای هستند تا ستون های جمهوری اسلامی را نشانه بروند.



پیرامون تحرک و پیشروی جنبش کارگری

از صفحه ۳

توده ای کارگری رسیده است و مهمترین مولفه های این تحول و پیشروی را بر شمرديم. قبل از هر چیز خوانندگان این نوشته را به آن قطعنامه رجوع میدهم. اما نکته اینجاست که اتفاقات همین چند ماه نیز همانطور که اشاره کردم بر صحت گفته ما مهر تاکید گذاشته است. از جمله ابعاد گسترده اعتراضات کارگری در چند ماهه اخیر و نقش بیش از پیش خانواده ها در این مبارزات، سراسری تر شدن اعتراضات کارگری و بوجود آمدن بستر آماده تری برای اعتصابات سراسری از نوع اعتصابات سراسری

کارگران مخابرات که خود از سازمانیافتگی بالای این اعتراضات حکایت دارد، نقش مدیای اجتماعی در ارتباط گیری اجتماعی و شکل دادن به بستری از گفتمان سازی و تصمیم گیری سریع و سراسری همه و همه معنای عملی مهیا تر شدن شرایط برای ایجاد تشکلهای سراسری توده ای را توضیح میدهد که تحقق آن خود میتواند منشاء تحول عظیمی در جنبش کارگری و در سطح جامعه باشد. به نظر من ندیدن این پیشروی ها و تردید و ناپاوری برای برداشتن گام عملی در این جهت، ترمزی در برابر حرکت تحول ساز جنبش کارگری و يك لطمه

بزرگ سیاسی به مبارزات کل جامعه است. اما در این رابطه نیز خویست اشاره کنم که خوشبختانه جنبش اعتراضی کارگری هر روز سازمانیافته تر به جلو گام بر میدارد و در هر قدمش، بخش زیادی از این ناپاوری ها را کنار میزند و این خود نشان دیگری از رشد گرایش چپ و رایکال در راس جنبش کارگری است. این وظیفه رهبران چپ و کمونیست در جنبش کارگری است که پرچم جنبش برای سازمانیابی را قدرتمند به دست بگیرند و تحقق آنرا امر فوری خود بدانند.

خلاصه کلام اینکه به اعتقاد من در توازن قوای سیاسی امروز، با اتکاء به پیشروی های تا کنونی جنبش کارگری از جمله ابعاد گسترده

جنبش کارگری و سراسری تر شدن ابعاد آن، تثبیت امر حضور خانواده های کارگری در این مبارزات و اجتماعی تر شدن دامنه آن، با وجود صفی از رهبران سرشناس کارگری در سطح جامعه و افزون شدن شمار هر روزه آنان، متحد شدن صفوف بخش های مختلف طبقه کارگر حول خواسته های سراسری تر، و با وجود ابزار سازمانیابی ای چون مدیای اجتماعی میتوان بسوی ایجاد تشکلهای توده ای کارگری در سطحی سراسری گام برداشت و پایه های آنرا بنا گذاشت و باید دست به کارش شویم.

به عبارت روشنتر وقتی کارگران میتوانند ظرف يك هفته اعلام اعتصاب سراسری کنند و به آن

تحقق بخشند، با اتکاء به همان نیرو و شبکه ارتباطی ای که پشت چنین مبارزاتی شکل گرفته و سازمانیافته است، می توانند برای ایجاد تشکل توده ای سراسری خود از جمله در بخش هایی چون نفت، پتروشیمی ها، آتش نشانی، مخابرات، شهرداری ها، برق، بازنشستگان، پرستاران، معلمان و غیره دست بکار شوند. و میتوان برای گذاشتن پایه های مجامع عمومی کارگری به عنوان ظرف سازمانیابی توده ای کارگری در محیط های کار، دست به کار شد.

نمایش مضحک نصب لوح "منشور" کورش" در لس آنجلس



میدانست) به جرم ارتداد از مردوک، به جنوب اردن و نواحی شمال خلیج عقبه حمله کرد و حدود سی هزار و بقولی شصت هزار نفر از این مردم را به اسارت گرفت و برای بیکاری آنها را به بابل آورد.

مورد باورهای پایه ای خود راغب نباشند. دریغ!

شاید انتظار تعقل، تحقیق و تجسس در مورد مضمون لوح بابلی منشور کورش از ناسیونالیسم، بجا نباشد. چه بسا هم، بعضاً سران و پیشاهنگان شان به موضوع واقف باشند اما، برای اتحاد صفوف ناسیونالیسم ایرانی، در کار فریب دیگرانند.

در يك نمایش خودستایی ملی اما پوچ، که تھی از واقعیت تاریخی هم باشد، جایی برای تعقل نیست. با تامین دو میلیون و نیم دلار، بعلاوه قنری زرق و برق و هیاهو، بلاخره زیارتنامه مردوک، بت اعظم بابل وسط میدان سنچری سیتی در لس آنجلس نصب شد. حالا ناسیونالیسم مشنگ ایرانی سمبل و قبله ای دارد که آنجا می تواند زیر "شکوه مردوک" کلی "غرور آفرین" لذت ببرد!



تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات لرستان

حقایق را از شما پنهان کردند!

از صفحه ۹

اسلامی ایران و نهاد حقوق بشر اسلامی بخواید تا به گزارشگر ویژه سازمان ملل خانم عاصمه جهانگیر اجازه ورود به ایران، بازدید از زندان ها و ملاقات با زندانیان سیاسی و فعالان اجتماعی را صادر کنند.

آتنا دانشی، گلرخ ایرایی
بند زنان زندان اوین
هفدهم تیرماه ۱۳۹۶

ساده لوح یا فریبکار!
مسخره است. فقط يك ساده لوح که در تاریخ کند و کاوی نکرده است و انباشته از تعصب و پیشداوری ایدئولوژیک و تا حدی کود کانه است، می تواند باور کند که کورش مردمی را آزاد کرد که در قید اسارت مردوک بودند. و فقط يك فریبکار می تواند "منشور کورش" را که تماماً در ستایش از مردوک و نیایش بدرگاه اوست، سند حقوق بشر بنامد. برپا دارندگان بساط "منشور کورش" خودشان را دست انداخته اند. آیا واقعاً این اعجوبه ها زحمت خواندن محتوای لوح را - که در اینترنت هم قابل دسترس است - بخود نداده اند تا معنی نگاشته های لوح را خود، مستقلاً درک کنند؟! شنیدیم ایم که کتاب خواندن و مطالعه نزد ما ایرانیان جایگاه ضعیفی دارد اما، انتظار نداشتیم که پیشقراولان يك حرکت سیاسی، تا این حد به کنکاش و جستجو در

حرمت بیشتری برای کورش قائل شده و مانند مردوک بت اعظم بابل، او را علیل و ذلیل خود نکرده است. با این حال، نه تورات و نه لوح کاهنان مردوکی کورش را بدرستی معرفی نمی کنند و هیچگونه ربطی به افکار و اعتقادات او ندارند. در این مورد می توان بحث مستقلی داشت. بنابراین، چسباندن حقوق بشر به کورش و دادار دودر برای "منشور حقوق بشر کورش"، اگر از روی فریبکاری نباشد، از روی نادانی و بی اطلاعی از آنچه بر لوح نگاشته شده است، هست.

و باید اضافه کرد که حقوق بشر انسان امروز را باید از آخرین دستاوردهای بشر در همه جوامع و در همه سطوح آن درک و طرح کرد. به این معنی، چسبیدن به کورش و منشور منتسب به او، مفری برای فرار همه راست ها از حقوق بشر در قرن بیست و یکم است.

مردوک کیست؟

شاید شما، فیلم "ده فرمان" را دیده اید. در صحنه ای از فیلم، موسی با الواحی که در دست دارد از کوه سرازیر میشود و به سمت شهر می رود. مردم که مشغول پرستش گوساله طلائی هستند به او و الواحی که در دست دارد، توجهی نمیکند. این گوساله طلائی در تورات، گوساله سامری (سومری) نامیده می شود. گوساله سامری همان مردوک است که در بارگاه انلیل خدای سومری پیش از خود متولد شد و به شکل گوساله در روی زمین ظهور کرد و با حضور ممتد در زمین و ممارست با انسان، رفته رفته بصورت نیمه انسان - نیمه گوساله درآمد. بعدها که عبریها از مردوک دست کشیدند و شروع به پرستش "یهوه" مصری کردند، بخت النصر (نام دیگر وی نیوکد نثار است که فرمانروای قدرتمند بابل بود و خودش را نظر کرده مردوک

افتاده بعهد "طفلك کورش کبیر" و ناسیونالیست های مقیم لس آنجلس. "کورش کبیر" قرار است محور ایدئولوژیک و اتحاد ناسیونالیسم ایرانی بشود و بخشهای وسیعی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی تا ارگانهای متعدد سیاسی و نظامی درون رژیم را با همدگر روی يك خط سیاسی بخت کند. برنامه ریزان این شعبده بازی سیاسی - و البته خیلی هم "حقوق بشری" - ادعا می کنند که محتوای آنچه که در لوح بازمانده از زمان فرمانروایی کورش - بزبان بابلی - ثبت شده است، "محور اتحاد خرد و کلان ایرانیان و پولدارترین خارجیان" است، و نه صرفاً نام کورش.

حالا ببینیم لوح بابلی منشور حقوق بشر کورش چیست؟

لوح بابلی که به غلط "منشور حقوق بشر کورش" نام گرفته است، توسط کاهنان مردوکی بابل ساخته و پرداخته شده است و تهیه آن ربطی به شخص کورش ندارد. این لوح که شکستگیهایی هم در آن وجود دارد در سی و نه سطر نگاشته شده است. نوزده سطر اول آن در معرفی و ستایش مردوک بت اعظم بابل است. در سطور بعدی، کاهنان بنحوی که گویا کورش سخن می گوید، او را معرفی میکنند. به هر حال در برخی از این سطور که کاهنان نگاشته اند، کورش خود و برخی اقداماتش را معرفی میکنند. در بیشتر سطور که کورش خود را معرفی می کند، او عبد و عبید، زار و ذلیل و کمربسته مردوک خدای بابل است و در پی بدست آوردن دل این بت اعظم. او در این سطور هدف دیگری که بویژه، ربطی به "حقوق بشر" داشته باشد را، دنبال نمیکند! جا دارد اشاره شود که در تورات هم از کورش تمجید شده است. تورات از او بعنوان ناجی و فرستاده یهوه نام می برد. به این ترتیب، تورات

سعید مدائلو

تلاش چندین ساله ناسیونالیسم ایرانی و محافل ساده لوح آن در لس آنجلس و حمایت محافل دست راستی آمریکا از آنها، بلاخره ثمر داد و به نصب کپی لوح بابلی موسوم به "منشور کورش" در روز چهارم جولای سال جاری در شهر سنچری سیتی، منجر شد.

سالهاست که سیاست محافل متعدد سرمایه داری آمریکا تقویت تمایلات ناسیونالیستی در میان اپوزیسیون راست خارج کشور و محافل ناراضی حکومت، بویژه ناراضیان نظامی آن بوده اند. در سودای شکل دهی به يك آلترناتیو جایگزین حکومت اسلامی، تلاش می کنند اپوزیسیون راست را زیر لوای ناسیونالیسم ایرانی با بخش های ناراضی حکومت نزدیک و بهم جوش دهند. سناریو مورد نظر آنها برپایی دوره ای از هرج و مرج و نهایتاً انجام يك کودتاست. در این سناریو، بخشی از حکومت که دیگر چندان بدنبال نجات "دین مردم" نیست، و پاسدار و فرمانده اش "تروریست و آدمکش" نیستند، ناجی مملکت از هرج و مرج و قهرمانان حفظ مرزهای آن از خطر تجزیه، خواهند بود. "منشور کورش" قرار است در خدمت این سیاست قرار گیرد.

زیر علم "منشور کورش" از احمدی نژاد تا ناسیونالیست های مقیم لس آنجلس

مسخره بازیها احمدی نژاد و مشائتی با "منشور کورش" نیز دقیقاً با همین هدف و به منظور جلب توجه و کسب حمایت محافل راست ایرانی و محافل سرمایه داری در غرب و بویژه در آمریکا، صورت میگرفت. نصب کپی "منشور کورش" ادامه همان سیاستی است که احمدی نژاد و مشائتی پرچمداران آن بودند. حالا، گویا احمدی نژاد و امام زمان حالشان خوب نیست و همه کار

حقایق را از شما پنهان کردند! نامه به سفرای بازید کننده از زندان اوین

با خبر شدیم چهارشنبه ۱۴ تیر ۹۶ برابر با ۵ جولای ۲۰۱۷، هیئتی متشکل از ۴۵ سفیر مقیم تهران از سوی سازمان زندان های ایران و نهاد حقوق بشر اسلامی دعوت به بازدید از زندان اوین شدند. طبیعی است که حتی اگر در منازلمان مهمانانی را دعوت نماییم خانه را به بهترین شکل ممکن زیبا خواهیم کرد و طبیعی ست که همان فضای روبروی اجرای احکام کتونی زندان اوین که جایگاه اعدام و جوخه آتش زندانیان سیاسی در دهه شصت بوده حالا در سال ۹۶ تبدیل به محفل پذیرایی از ۴۵ سفیر شده است.

خطابمان با شمامست، شما سفرای محترمی که دعوت شدید تا از بخش های دلخواه آقایان در زندان اوین دیدن کنید. همه شما و ما میدانیم که مدتها است به دلیل نقص فاحش حقوق بشر، ایران و خصوصاً سازمان زندان های ایران دستخوش تحریم شده اند. سالهاست که از سوی ایران به نمایندگان ویژه سازمان ملل (آقای احمد شهید و خانم اسما جهانگیر) اجازه ورود به ایران و بازدید داده نشده است و حال شما سفرای مقیم تهران خواسته یا ناخواسته بلندگوی وارونه نمایی ایران از وضع حقوق بشرش شدید. آیا آگاه هستید که به راستی زندان اوین شامل چند بند و چند بازداشتگاه می باشد؟ آیا موفق شدید بندهای ۲۰۹ مربوط به وزارت اطلاعات، دو-الف مربوط به اطلاعات سپاه پاسداران و ۲۴۱ مربوط به اطلاعات قوه قضاییه دیدن کنید؟ آیا سلول های انفرادی بدون پنجره و تهویه و سرویس بهداشتی آنها را دیدید؟ آیا سیاه چالها و اتاق های تنگ و تاریک بازجویی هاشان را دیدید؟ آیا سلولهای معروف قبر را به شما نشان دادند؟ هواخوری های سر بسته و چشم بند و دستبند را

چطور؟ طبق اظهارات روزنامه های داخل ایران شما بزرگواران از حسن شرایط زندانیان و فضای زندان شگفت زده بودید. با چند زندانی هم صحبت شدید؟ آیا شما را از تعداد بازداشتها، مدت انفرادی ها، نحوه بازجویی ها و انواع شکنجه های جسمی و روانی مطلع کردند؟ راستی چرا شما را به تنها بند زنان سیاسی زندان اوین یعنی همین جایی که ما به اجبار در آن ساکنیم نیاوردند؟ حتماً به شما هم گفته اند که اوین بند زنان ندارد.

آری دروغی به بزرگی همان دروغ که گفتند زندانی سیاسی ندارند. می دانیم که نمی توانستید و نمی توانید چون نمی خواستند و نمی خواهند که به پرونده های حتی تعدادی از زندانیان دسترسی داشته باشید تا متوجه عمق فاجعه در خصوص زندانیان شوید. پس ما هم به همان فضایی می پردازیم که شما را شگفت زده کرده است. آیا به شما گفتند که بند ۴ این زندان که از آن بازدید کردید چگونه و توسط چه کسانی بازسازی و مجهز شده؟ لازم است بدانید همان زندانیانی که برای آن بند و ساخت آن هزینه های میلیونی پرداختند را روز حضور شما در زندان به بهانه های دادگاه و بیمارستان از بند خارج کرده و به انفرادی های دو-الف بردند و تا خروج شما از زندان در آنجا به اجبار ماندند که نه آنها شما را ببینند و نه شما آنها را. آیا به شما گفتند که آن بند هم بند زندانیان مالی ست هم زندانیان سیاسی و هم اراذل و اوباش؟

یک روز قبل از حضورتان در زندان اوین، ورود تمام روزنامه ها به بندهای زندان ممنوع شد. نخواستند از وجود هم آگاه شویم تا مبدا پرده نمایششان به هر طریقی بر زمین افتد و حقیقت نمایان شود. از بهداشت گفتند و گفتید و از بهداشت زنان می

گوییم. از وضعیت بهداری و داروهای اشتباه، از نبود مواد ضدعفونی کننده و شوینده به بهانه تحریم و کسری بودجه.

آیا میدانید چند زندانی مبتلا به ایدز و هیپاتیت همراه با زندانیان دیگر گذران حبس می کنند؟ آیا به شما گفته اند که برای زنان زندانی در این زندان به دلیل معذوریت شرعی معاینه توسط پزشک مرد، تزریق دارو و تست نوار قلب انجام نمی شود؟ آیا گفتند که حتی یک پرستار زن برای انجام این امور برای ما زنان در این زندان وجود ندارد؟ آیا می دانید چند صد یا هزار نفر زندانی به دلیل آشامیدن آب ناسالم زندان از بیماری کلیوی رنج میبرند؟ آیا شما را با پزشکی با نام مستعار شهریار آشنا کردند؟ پزشکی که بدون معاینه و تنها از طریق نگاه، پی به بیماری زندانی میبرد و هرگز به دلیل ترس از عواقب تشخیص ها و تجویزهای اشتباهش و به دلیل جلوگیری از افشای هویت حقیقی اش، مهری که گویای هویت وی است، بر نسخه هایش دیده نمی شود. کاش در حین بازدید از زندان سوار بر آمبولانس بهداری اوین نیز می شدید و از فقدان امکانات لازم در آن دیدن می کردید. کاش از میزبانان میخواستید که فیلمهای مربوط به ۲۰۲ قبل از حضورتان در زندان را که از طریق دوربین های زندان ضبط شده است، برایتان پخش کنند تا ببینید وضعیت زندان و بهداشتش را، تا ببینید لباس های فرم زندانیان را که در داخل زندان به رنگ زرد و خارج از آن به رنگ آبی راه راه است، تا ببینید درهایی که پشت سر هم به روی زندانیان و حتی زندانیانهای هر شیفت توسط سربازان پلمپ و قفل می شود و ببینید که حتی برای خروج فوری و انتقال بیمار با وضعیت اورژانس به بیمارستان باید منتظر باز شدن و فك پلمپ

چند درب ماند.

برایتان از بند زنان زندان اوین مشال می زنیم که راه خروج اضطراری آن هم با ۳ در و ۳ قفل روی آن بسته است و محاسبه کنید زمان باز شدن هر درب را پس از تماس ها و هماهنگی های لازم برای حضور سرباز و فك پلمپ. کاش می دیدید که چندین و چند زندانی به دلیل نبود تخت روی زمین و موکت های حسینی بندها و با کمترین فاصله از هم میخوابند. کاش کمی هم از غذایی که بین زندانیان پخش می کنند، میل می کردید. آیا می دانید که ما زندانیان می بایست حتی لبنیات و سبزیجات و میوه و پروتئین را با هزینه خود و با قیمت های چند برابر از فروشگاه زندان خریداری کنیم؟ چرا که اندک جیره ماهانه مواد غذایی زندان فاسد و تاریخ مصرفشان مدتها گذشته است.

کاش برایتان شرح می دادند که چه ماهرانه از این طریق، تجارتی کلان راه اندازی کرده و ماهانه میلیونها سود می برند. و با این حال، آیا به اطلاعاتتان رساندند که یک روز پیش از بازدیدتان از زندان -این بزرگترین زندان ایران- خالی از هر نوع وسیله نقلیه بوده است؟، چرا که راننده های تاکسی های ویژه انتقال زندانیان به مراکز درمانی و دادگاهها، به دلیل عدم دریافت چند ماه حقوق خود، در اعتراض و اعتصاب بودند و در محل کار خود حاضر نشدند.

آیا شما را از وجود بندهای متروکه ۳۵۰ (بند سیاسی آقایان) یا بند روحانیت آگاه کردند؟ آیا برایتان گفته شده که چند زندانی تمام مدت حبسشان را در سلولهای انفرادی بازداشتگاه ها می گذرانند؟ افرادی همچون محمد علی طاهری که بیش از ۵ سال است که در سلولهای انفرادی دو-الف سپاه پاسداران به سر می برد. لازم است بدانید ما زندانیان این زندان برخلاف ادعای رییس سازمان زندان ها (مصطفی محبی) نه هر هفته بلکه، ماهی یک بار می توانیم به صورت

حضوری با خانواده هایمان ملاقات داشته باشیم.

شما بزرگواران به راحتی می توانستید از طریق تصاویر ماهواره ای از جغرافیای دقیق اوین مطلع شوید. می توانستید از طریق منابع موثق به گزارشات مختلف از بندهای اوین و زندان های ایران دسترسی یابید و حتی می توانستید با ذکر نام زندانیان سیاسی، سراغی از آنها گرفته و درخواست ملاقات با آنها را دهید و با آگاهی قدم در این زندان و بازدید از آن گذارید.

حال که می بایست این مهم رخ می داد - نداد- از شما سفرای محترم می خواهیم که در خوش نمایی ها از وضعیت زندان و زندانیان آن، شریک نشوید و به صورت کاملاً سرزده به اوین و قرچک و فشافویه و رجایی شهر و سایر زندان های تهران و شهرستان های ایران بروید، تا از آنها تصویری حقیقی به دست آورید. ما تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی در زندان، چون خواستیم تصویری حقیقی از وضعیت نا بسامان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم، در این راه، متحمل هزینه های سنگین شده ایم و خانواده هایمان نیز به طرق مختلف مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و حتی ما را از شما پنهان می کنند. ما که خواستیم حداقل بهبودی در شرایط زندان ها و برای زندانیان حاصل شود حال در زندانیم و شما سفرای گرامی به واسطه برنامه ای هدفمند و از پیش تعیین شده خواسته ما را به تعویق انداختید چرا که از شما و حضورتان در این بزرگترین زندان ایران، یعنی اوین، استفاده ابزاری شد تا در روزنامه هایشان تیتر بزنند: "برخی کشورها و رسانه ها تصویری دروغین و نا صحیح از زندان های ایران نشان می دهند". از شما دعوت کردند تا از شما استفاده کنند و بتوانند با نمایش و فریب گزارشهای نهاد های حقوق بشری و بین المللی از زندانهای ایران را بی پایه و اساس نام نهند. حال آنکه،



اعتراضی جهانی بسیار حیاتی است.

همانگونه که عوامل اصلی دخیل در ویران کردن زندگی مردم در عراق و کل منطقه در کار شکل دادن و رها کردن افسار دستجات مسلح اسلامی و قومی جهانی هستند، مقابله قدرتمند و موفق با این وضعیت هم، نیازمند جنبشی است که ابعاد آن جهانی باشد. جنبشی که دست طبقه قدرتمند کارگر را در مصر و ایران و عراق و کل منطقه در دست هم بگذارد؛ جنبشی که بتواند جوانانی که با مانیفست غزه اعلام وجود کردند، زنانی که در افغانستان طالبان زده امام جمعه را با اردنگی از صف تشیع جنازه فرخنده بیرون انداختند، جوانانی که در ۸۸ در ایران به میدان آمدند، زنان و مردانی که در عراق فریاد جامعه غیردینی سر دادند و میلیونها انسانی که در منطقه در سطح جهان تعطیل ناپذیر در مقابل ارتجاع سرمایه داری و نیروهای هارش در مصاف هستند را، بهم وصل کند.

توضیح نویسنده: در رابطه با اعتراضات اگوست سال ۲۰۱۵ عراق توجهتان به مصاحبه روشنگرانه‌ای با اصغر کریمی جلب میکنم که تحت عنوان "رهبری و سازماندهی، مساله گری در عراق" در نشریه انترناسیونال در تاریخ شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۴ منتشر شد.

اعتراضی باز خواهد گشت. اما این بار باید از تجربه گذشته درس گرفت. درس مهم آن جنبش اعتراضی این بود که برای پیروزی نیاز به شکل دادن به یک رهبری رادیکال و روشن و آگاه و سازمانیافته است. رهبری ای که بتواند تاکتیکها و حقه بازیهای حکومت را قدم به قدم خنثی کند. رهبری ای که بتواند اعتراض و مقاومت و جسارت مردم معترض را به تشکیلات سیاسی و پرچم سیاسی تبدیل کند و مردم معترض را در قدرت سیاسی نمایندگی کند. رهبری که برای کنار زدن قدرت سیاسی و به قدرت رساندن مردم حرکت کند. بزرگتری وظیفه هر نیروی رادیکال و چپ و کمونیست و سکولار در شرایط عراق این است که برای شکل دادن به چنین رهبری ای تلاش کنند.

همچنین باید به جایگاه همبستگی جهانی اشاره کرد. حمایت جهانی از چنین جنبشی یک فاکتور بسیار مهم در قدرتمندتر شدنش است. همچنانکه گفتم این جنبش موقتا عقب نشسته است اما بی تردید باز می‌گردد. همانقدر که اعتراض دو سال پیش توانست حکومت را ناگزیر به عقب نشینیهایی بکند، حامیان جهانی این اعتراض هم میتوانند حامیان دولت قومی - مذهبی عراق زیر فشار قرار دهند. مردم معترض عراق نیازمند کوتاه شدن دست انواع و اقسام قدرتهای منطقه ای و جهانی از مهندسی سیاست در عراق بر محور دینی و قومی هستند. و در این عرصه یک جنبش

شما سر برآورد.

حقیقت سیاسی این اعتراض را امام جمعه نجف به خوبی بیان کرد وقتی گفت اینها میخواهند حکومت را غیر دینی کنند. دقیقا همین بود که سران حکومت اسلامی راه به هراس انداخته بود. خصومت حکومت اسلامی با این جنبش را رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با انتساب مردم معترض به "شیاطین و غیر مسلمانان" بیان کرد.

دقیقا این مضمون سیاسی انسانی، سکولار و رادیکال در کنار ابعاد بسیار وسیع و باشکوه این حرکت بود که همه سران حکومت عراق و همچنین جمهوری اسلامی و دول غرب و رسانه‌هایی مثل بی بی سی و صدای آمریکا را نگران کرده بود.

زیر فشار سنگین این تعرض سیاسی انسانی و سکولار و آزادیخواهانه بود که میان مقامات حکومت عراق شکاف افتاد. باندهای مختلف شیعی و سنی حاکم شروع به افشاگری علیه همدیگر پرداختند. حیدر العبادی نخست وزیر مجبور شد اعلام کند بزودی اصلاحات انجام خواهد شد. اعلام کردند که کمیته ای به نام "از کجا آورده ای" تشکیل خواهد شد. اعلام شد با فساد در دستگاه دولتی مقابله خواهد شد و امتیازات مالی ویژه مقامات لغو و حتی بسیاری از مقامات دولتی لغو خواهد شد.

رسانه های غرب یا با سکوت از کنار این حرکت بزرگ گذشتند و یا تصویر وارونه از آن دادند. همراه با این رسانه ها بی بی سی فارسی و صدای آمریکای فارسی طوری وانمود کردند که گویا اصلا آخوند مورد علاقه شان سیستانی و حیدر عبادی این حرکت را نمایندگی میکنند. و البته در کنار این تحریف سازیافته رسانه ای، دسته های فاشیست اسلامی هم بیکار ننشستند و قهقهه هایشان را در خیابانها رها کردند تا مردم معترض را مرعوب کند، که نتوانستند.

راه نجات مردم عراق در دست همین مردم است. اگر چه آن اعتراض در آن ابعاد وسیع اولیه ادامه نیافت اما، انگیزه و نیروی انسانی و خواست و آرزوی همان مردم همچنان زنده و قوی است. دیر یا زود آن جنبش

تروریسم اسلامی به مشابه نجات دهنده است.

تردید نباید داشت که نه دول غرب و متحذینش و نه جمهوری اسلامی و حامیانش حتی ذره ای به فکر صدها هزار بیخانمان، مخصوصا هزاران کودک پسر مادر از دست داده بی سرپرست با زخمهای عمیق روحی و جسمی نیستند و نخواهند بود. مساله هیچکدام از طرفهای درگیر در این رقابت خونین این انسانها نیستند. مساله شان جایگاه و موقعیت دولت و جنبش خودشان است که بانی اصلی این بی خانمانیها و این همه زخمهای روحی و جسمی هستند که بر جمعیت عظیمی از انسانها در عراق و منطقه و جهان تحمیل شده است.

نجات مردم عراق پیش خود مردم است!

دقیقا دو سال پیش در ماه اگوست در عراق اتفاقی افتاد که شور و شوق زیادی در میان مردم منطقه و جهان برانگیخت. اتفاقی که کمتر کسی شاید تصورش را میکرد. یکباره از میان جنگ و کشتار و بمب و خون و خونریزی و جولان دسته های مسلح اسلامی و قومی، میلیونها مردم عراق در شهرهای بغداد، بصره، ناصریه، سماوه، عماره، حله، شطره، دیوانیه، کوفه، کرپلا، بعقوبه و... به خیابانها ریختند و فریاد زدند "نه شیعی، نه سنی، مدنی، مدنی!" هزاران پلاکارد و بنر بلند کردند که در آنها اعلام شده بود: "نان، آزادی، حکومت مدنی و سکولار"، "به اسم دین ما را غارت کردید"، "دولت مدنی، عدالت اجتماعی"، "جدائی مذهب از دولت"، "آزادی امنیت برابری"، "محاکمه کلیه فاسدین" و "سکولاریسم راه حل ما است!"

مردم شریف و رنج دیده و درهم شکسته عراق و پیشاپیش آنها زنان در این اعتراضهای باشکوهشان عکس سران حکومت مثل نوری المالکی و حسین شهرستانی را به دست گرفتند و خواهان محاکمه آنها به جرم فساد شدند. در مقابل خانه آیت الله حکیم با شعار "گورت را گم کن" تجمع کردند؛ خطاب به جمهوری اسلامی شعار دادند "برو گم شو" و چشم در چشم مقامات فاسد دوختند و فریاد زدند: "داعش از درون فساد

موصل آزاد شد!

از صفحه ۵

سهم خواهیها آغاز شده اند!

هنوز صدها هزار آواره به خانه های ویران شده شان برنگشته اند که سهم خواهی آزاد کنندگان" موصل شروع شده است. لاشخورهای اقتصادی و سیاسی بر فراز ویرانه های پر از جنازه موصل به پرواز در آمده اند. میگویند بازسازی موصل تخریب شده، قریب ۴ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. کمپانیهای آمریکایی از الان برای به کام کشیدن این ثروت عظیم کیسه های بزرگ دوخته اند.

از طرف دیگر در میان جناحهای رقیب جمهوری اسلامی دعوا در گرفته است که ثابت کنند سهم کدامشان در مسلح کردن حشد الشعبی (شعبه عراقی بسیج اسلامی) بیشتر بوده است. قاسم سلیمانی گفت صنایع اسلحه سازی ایران برای مسلح کردن حشد الشعبی سه شیفته کار میکرده اند و اصلا "شهید زنده برادر ابو مهدی المهندس" فرمانده حشد الشعبی کلید انبارهای اسلحه جمهوری اسلامی را در اختیار داشته است! روحانی برای اینکه عقب نماند جواب داد که فقط جانفشانی کافی نیست. تولید و هزینه سلاحها هم مهم است که افتخار مال دولت ایشان است.

از جدال و رقابتهای درون حکومتی جمهوری اسلامی بگذریم که موضوع این مقاله نیست. اما معلوم است که جنگ جمهوری اسلامی و حشد الشعبی با داعش تماما در چهارچوب تخاصم و رقابتهای منطقه ای جمهوری اسلامی با رقبای قابل تحلیل است. اظهارات سران حکومت هم به خوبی نشان میدهد که برای جمهوری اسلامی هم حضور در عراق و هم تضعیف شاخه های رقیب تروریسم اسلامی حیاتی است. این سطح تبلیغات در باره سهم جمهوری اسلامی در آزادسازی موصل، هم اعلام سهم خواهی علنی در معادلات و معاملات بعد از سقوط موصل در عراق است و، هم به خاطر درجه بالای منفور بودن داعش در جهان، چهره سازی از شاخه شیعی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی این شماره: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود